

حریت انسانی و عبودیت الهی

در حکمت متعالیه

علیرضا جوانمردی ادیب*، دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
مهدی نجفی افرا، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

چکیده

صدرالمتألهین - همانند سایر حکمای اسلامی - انسان را در میانه مبدأ و معاد نگریسته است، از اینرو در نحوه پیدایش اولیه، در کیفیت سیر وجودی و در بازگشت او بسوی مبدأ المبادی سخن گفته است. وی با توجه به مبانی خاص حکمی خود همچون اصالت، تشکیک، بساطت و حرکت جوهری وجود، انسان را در گذرگاه هستی دیده است که سیر وی - بعنوان سالک طریق وجود - از وجود، در وجود با وجود و بسوی وجود است. در این نحو نگرش، حریت انسانی بعنوان یک ملکه نفسانی و فضیلت اخلاقی، معنایی وجودشناسانه دارد که در پرتو حکمت نظری و عملی دستیافتنی است. از منظر ملاصدرا این مرتبه از وجود برای انسانی متجلی میشود که توانسته باشد اولاً در بعد حکمت نظری، به شناخت صحیح نسبت به وجود و حقیقت وجودی خویش دست یافته باشد و نفس خود را مستعد دریافت و مشاهده معارف حقه از مبادی عالی گرداند؛ ثانیاً در بعد حکمت عملی، با استیلائی قوه عاقله بر قوه شهویه و غضبیه، تعادل را در ارضای خواهشهای این قوا ایجاد نماید. حکیم الهی، همان مؤمن حقیقی است که توانسته به غایت حکمت نظری یعنی نور و غایت حکمت عملی یعنی سعه صدر دست یابد. حریت که

بمعنای رهایی از قیود است، در معنای عالی خود - یعنی همان عبودیت الهی که گرایش و توجه بسوی مطلق است - متجلی میگردد، بگونه‌یی که سالک از بند رقیب هر آنچه غیر حق است، آزاد و خود را در حق فانی میسازد.

کلیدواژگان

نفس	حریت
عبودیت	حکمت
عقل نظری	عقل عملی

مقدمه

از جمله مسائلی که میتواند از منظر حکمی و فلسفی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، مسئله «تبیین رابطه حریت انسانی و عبودیت الهی» است. این مسئله از آنروی دارای اهمیت است که رویکرد اتخاذی انسان در این باب، تأثیر بسزایی در معنای زندگانی وی دارد. صورت غالب این مسئله، پرسشی است در این قالب که: آیا رابطه‌یی بین حریت انسانی و عبودیت الهی هست؟ در صورت وجود چنین رابطه‌یی نحوه

(نویسنده مسئول) *Email: Javanmardiadib@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۳۰/۲۶